یادداشت

تبعات شایعه خروج محصولات فولادی از بورس کالا

محمدصادق چیت‌ساز . کارشناس بازار آهن

● شایعه خروج محصولات فولادی از بورس کالا پس از ۱۷ سال شوک بزرگی بود؛ گرچه از وزارت صنعت تا نمایندگان مجلس این موضوع را در حد شایعه و اشتباه عنوان کردند، اما باید دید چرا چنین مسئله‌ای در کشور آن هم در شرایطی که اغلب متقاضیان فولاد از رشد بی‌رویه قیمت‌ها و عرضه قطره‌چکانی مواد اولیه گله دارند، مطرح شده است. برخی از کارشناسان معتقدند احتمالا تصور دولت این است که قیمت مسکن به‌دلیل افزایش قیمت نهاده‌های بخش مسکن مثل فولاد، رشد چشمگیری داشته و به همین دلیل برای پایین‌آوردن قیمت‌ها، اگر فولاد مانند سال‌های قبل و تعزیراتی به فروش برسد، قیمت مسکن نیز کاهش می‌یابد که این مدل نگاه، قطعا تبعات ناخوشایندی برای بازار خواهد داشت.

در هفته‌های اخیر، تعادل میزان عرضه و تقاضای محصولات میانی و نهایی فولادی در بورس کالا تا حدودی برهم خورده و سبب بروز آشفتگی در بازار فولاد شده است که این موضوع هم به بازار محصولات بالادستی با محوریت شمش فولاد و هم به محصولات پایین‌دستی نظیر میلگرد و تیرآهن سرایت کرده و تأثیر محسوسی بر قیمت‌های این بازارها بر جای گذاشته و نابسامانی‌هایی را به دنبال داشته است.

خروج محصولات فولادی از بورس کالا که بستری شفاف برای معاملات است، قطعا شفافیت را از بین می‌برد و به بازار سیاه هم دامن می‌زند.

درحال‌حاضر، بخش عمده معاملات آهن در بورس کالا تحت نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام می‌شود و تمامی خریداران محصولات فولادی در بورس کالا از تولیدکنندگان هستند و مشکل اصلی، دخالت دولت در قیمت‌گذاری محصولات فولادی در بورس کالا و ابطال مکرر معاملات است که باعث عطش بازار و رشد قیمت‌ها شده است.

خروج محصولات فولادی از بورس کالا و بازگشت به سیستم حواله‌ای، چیزی جز رانت به همراه ندارد؛ از سویی، اگر کاهش قیمتی نیز داشته باشد، مصرف‌کننده از آن منتفع نخواهد شد. کاهش قیمت‌ها منوط به عرضه‌های مداوم و منظم است. عرضه متناوب محصولات فولادی و کشف قیمت در بورس کالا کاهش قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت؛ خارج از این قاعده، هر اقدامی انجام شود، تأثیری در کاهش قیمت‌ها نخواهد داشت. متأسفانه هیچ‌یک از اقدامات کنترلی‌ای که دولت تاکنون انجام داده، نه‌تنها کاهش قیمت را به دنبال نداشته، بلکه بازار را ملتهب‌تر کرده است؛ تا جایی که قیمت‌های بورس از نرخ‌های صادراتی نیز پیشی گرفته و این اقدام در حالی رخ داده که میزان تولید افزایش یافته و میزان صادرات در چهارماهه ابتدای سال کاهش یافته است.

خروج محصولات فولادی از بورس کالا، اگر به بهانه صادرات بیشتر و ارزآوری نیز باشد، رشد شدید قیمت‌ها در بازار داخل را به دنبال خواهد داشت و این اقدام نیز منطقی نیست و با توجه به مازاد تولید که در داخل وجود دارد و تعیین قیمت بر اساس ۹۵ درصد فوب خلیج‌فارس نیز حاکی از آن است که زمینه برای صادرات مهیاست و به نظر می‌رسد مشکل اصلی در موضوع صادرات، بحث بازگشت پول است.

درحال‌حاضر به‌دلیل نوسان شدید ارز و افزایش نرخ ارز آزاد و نیمایی، بسیاری از صنایع بالادستی و پایین‌دستی تمایل زیادی به صادرات محصولات تولیدی خود دارند؛ زیرا این فواصل قیمتی جذابیت‌های صادراتی بی‌شماری را برای آنها ترسیم می‌کند و در برخی موارد به دلیل حمایت از صادرات، کنترل دقیقی بر روند صادرات نمی‌شود و از سویی عزمی جدی نیز برای بازگشت نرخ ارز به سامانه نیما وجود ندارد که این موضوع یکباره بحرانی را ایجاد می‌کند. اگر دولت فولادسازان را به سمت تأمین نیاز داخل و صادرات با ارزش افزوده بیشتر هدایت کند، به این ترتیب ارز بیشتری نیز به کشور بازمی‌گردد.

«شرق» در سالگرد ارسال نامه ۳۷ اقتصاددان به رئیس‌جمهور، عملکرد دولت را پیگیری می‌کند

انفعال قوه مجریه در مقابل پیشنهادها

شرق: ۱۵ مرداد سال گذشته بود که ۳۷ اقتصاددان به رئیس‌جمهور نامه نوشتند. این ۳۷ اقتصاددان با توجه به مسائل کشور احساس خطر کرده و پیشنهادهایی را به رئیس‌جمهور برای مقابله با شرایط تحریم‌ها و ساماندهی وضعیت اقتصادی کشور ارائه دادند. با گذشت یک سال از ارسال این نامه که رهبری هم نامه را خوانده‌اند و بندهای آن مورد توجه قرار گرفته است، با دو نفر از امضاکنندگان این نامه گفت‌وگو کردیم تا ببینیم آیا به پیشنهادهای مطرح‌شده در نامه توجهی شده است؟ پیشنهادهای اجراشدنی آن به مرحله اجرا گذاشته شده است؟ محمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه، به «شرق» می‌گوید: تقریبا به هیچ‌یک از بندهای نامه توجهی نشده و فقط یکی از بندهای آن که تشکیل نهاد فراقوه‌ای برای تصمیم‌سازی اقتصادی بود، به‌طور ناقص اجرائی شد. بحرینیان ادامه می‌دهد: شورای هماهنگی سران قوا تشکیل شد، اما منظور از امضاکنندگان نامه از نهاد فراقوه‌ای، شورای متشکل از افراد تصمیم‌سازی فعلی نبود؛ زیرا این افراد در رأس کار بوده و تاکنون تصمیماتی که گرفته‌اند، به اجرا درآمده است. کمال اطهاری، کارشناس اقتصادی نیز در گفت‌وگو با «شرق» بسنده‌کردن به نگارش نامه برای جامعه روشنفکری را کافی نمی‌داند. او تأکید می‌کند: روشنفکران باید برنامه جایگزین ارائه دهند و به نوشتن نامه برای آرامش وجدان بسنده نکنند. سال گذشته در چنین روزی، ۳۷ اقتصاددان که از شرایط کشور احساس خطر کرده بودند، به رئیس‌جمهور نامه نوشتند. در این نامه سرگشاده هشدارهایی به دولت داده شده بود؛ ازجمله درباره شکل‌گیری اقتصاد خصولتی، اختلاط نوکیسگان با حاکمیت، اقتصاد رانت‌محور، تضعیف و تحدید مستمر بخش خصوصی، واردات کالاهای مصرفی، ترویج و اشاعه فساد در سطح سه قوه، گسترش پدیده درهای چرخان، ورود نهادها و بنیادها و... به عرصه کسب‌وکار، گسترش اقتصاد رفاقتی، اجرای پروژه‌های عمرانی غیرضرور، استفاده ابزاری از بازار سرمایه و تزریق اعتبارات آن به بنگاه‌های شبه‌دولتی، مالی‌سازی اقتصاد و... به دولت هشدار دادند. این نامه ازسوی رهبری هم مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود و حالا با گذشت یک سال از امضای آن، پیگیر شدیم تا ببینیم بندهایی که درباره آن هشدار داده شده بود، چه سرنوشتی پیدا کرده است؟ آیا رئیس‌جمهور در راستای اجرائی‌شدن یا اجرائی‌کردن این هشدارها گامی برداشته است؟ اساسا تدوین چنین نامه‌هایی منافع کشور را تأمین خواهد کرد؟

راه‌حل مقابله با تحریم‌ها در کتاب نفیو

محمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه، در گفت‌وگو با «شرق» درباره دلایل امضای این نامه و اجرائی‌نشدن توصیه‌ها عنوان می‌کند: امضاکنندگان نامه در مفادی با هم تفاهم داشتند. البته هرکدام ممکن بود نکات دیگری هم داشته باشند یا راه‌حل‌های دیگری ارائه دهند. او اضافه می‌کند: دلیل این توافق، انتشار کتابی در ۲۱ آذر ۹۶ ازسوی ریچارد نفیو، عضو تیم مذاکره‌کننده دولت آمریکا بود. در این کتاب هدف تحریم‌ها به‌طور دقیق تشریح شده بود و در خرداد ۹۷ این کتاب ازسوی مرکز پژوهش‌های مجلس ترجمه شد. به گفته این پژوهشگر اوایل سال ۹۷ و هم‌زمان با خروج آمریکا از برجام یکباره ارز تک‌نرخی شد و اعلام کردند که ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی برای همه فراهم است. او ادامه می‌دهد: به نظر می‌آید این تصمیم هم مثل خیلی از تصمیمات دیگر فاقد پشتوانه مناسب بود و ما نمی‌دانیم تحت چه شرایطی چنین تصمیمی گرفته شد. بحرینیان می‌گوید: در کتاب نفیو مشخص بود که آنها چه چیزی را هدف گرفته‌اند و راه‌حل مقابله با تحریم‌ها چیست؛ اما متأسفانه بسیاری از تصمیماتی که در دولت قبل و دولت فعلی گرفته شد، وقتی نگاه می‌کنیم، منطبق با طراحی‌هایی است که در تحریم‌ها پیش‌بینی کرده بودند.

او یادآور می‌شود: در صفحه ۷۸ ترجمه کتاب نفیو به این نکته اشاره شده است که در ایران هماهنگی اقتصادی به وجود نمی‌آید. در صفحه ۴۷ و ۴۸ هم عنوان می‌شود که در تحریم‌ها بیشتر جمعیت جوان هدف قرار می‌گیرد؛ زیرا تداوم تحریم‌ها منجر به بی‌کاری می‌شود و شغل‌های زیادی در بخش صنعت و تولید تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این یعنی برای تحریم‌کنندگان تقریبا مشخص بود که در طول این سال‌ها چه اتفاقاتی می‌افتد.

ناتوانی در مذاکرات اقتصادی

به اعتقاد این پژوهشگر توسعه، ضعف ایران در مذاکرات اقتصادی در طول تصویب برجام کاملا روشن است. دانش ایران برای مذاکرات اقتصادی بسیار کم است. او اضافه می‌کند: در کتاب نفیو هدف اصلی تحریم‌ها بخش تولید معرفی می‌شود و محدودکردن ۵۰۰ هزار شغل یکی از اهداف اصلی تحریم‌کنندگان است. این در حالی است که شرکت‌های مخابراتی آمریکا در اوج تحریم‌ها مجازند به ایران تجهیزات صادر کنند. بحرینیان بیان می‌کند: مجموعه این اتفاقات منجر به ایجاد نگرانی در دلسوزان کشور شد. نامه‌ای که در ۱۵ مرداد ۹۷ منتشر شد، به این دلیل بود که هشداری به دولت داده شود و دست‌کم راه‌حل‌ها و مشکلات بیان شود. رهبر انقلاب به‌صراحت از این نامه و راه‌حل‌هایی که ارائه شده بود، حمایت کردند. او ادامه می‌دهد: با وجود اینکه رهبر انقلاب هم به‌صراحت این نامه را تأیید کردند، عکس‌العملی ازسوی دولت و کسانی که تصمیم‌گیر اقتصادی بودند، درباره این نامه دیده نشد. البته جلسه‌ای با یکی از مقامات رفتیم؛ اما بیشتر امضاکنندگان معتقد بودند فایده‌ای ندارد که در این جلسه بحث شود و بتوانند تصمیم بگیرند.

به باد رفتن منابع ارزی کشور

این پژوهشگر توسعه بر جلوگیری از خروج ارز از کشور تأکید می‌کند و می‌گوید در این زمینه راه‌حل‌ها و بحث‌های زیادی مطرح شده است. او ادامه می‌دهد: آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد منابع ارزی در کشور کم نداشته‌ایم؛ اما بی‌مبالاتی‌های زیادی درباره هزینه‌کرد آن انجام شده است. بعد از خروج ترامپ از برجام ارزها برای محصولاتی هزینه شده است که نباید این اتفاق می‌افتاد. بحرینیان بیان می‌کند: طبق آمار بانک مرکزی از فروردین ۹۷ تا اواخر سال ۹۸ چیزی حدود ۶۶.۴ میلیارد دلار یا کمی بیشتر ارز از کشور خارج شده است. به نظر من بسیاری از موارد ازجمله واردات خودروی آماده می‌توانست اتفاق نیفتد تا به منابع ارزی ما فشار وارد نشود. او یادآور می‌شود: به جز تحریم‌ها، بلایای طبیعی هم به کشور آسیب زد. تحریم‌ها دمل ناکارآمدی اقتصادی را آشکار کرد که در بیش از یک سده گذشته تلنبار شده بود. کرونا و سیل هم به‌عنوان بلایای طبیعی به نظر من ناتوانی در سازماندهی‌ها را نشان داد.

توجه نیم‌بند به یکی از بندهای پیشنهادی

این پژوهشگر توسعه درباره سرنوشت پیشنهادهای ارائه‌شده به دولت می‌گوید: به جز یک مورد که شورای هماهنگی سران سه قوه تشکیل شد، به هیچ‌یک از هشدارها توجهی نشد. البته پیشنهاد ما تشکیل نهاد فراقوه‌ای بود و منظور از نهاد فراقوه‌ای مجموعه‌ای که شکل گرفت، نبود؛ زیرا این بزرگواران، کسانی هستند که در گذشته هم تصمیم‌ساز بوده‌اند و برای مقابله با تحریم‌ها راهکاری نداشته‌اند. او اضافه می‌کند: کارشناسان ۲۰ راه‌حل در این زمینه دادند. هیچ‌کدام از این راه‌حل‌ها به جز بند دو که به صورت ناقص اجرا شد، مورد توجه قرار نگرفت. بحرینیان عنوان می‌کند: بیشترین ضربه را تولید خورد. اشتغال دچار آسیب شد. متأسفانه تصمیمی در راستای بهبود وضعیت تولید نمی‌بینیم و بیشتر بخش توزیع مدنظر بوده است. دادگاه‌هایی که در حال تشکیل‌شدن است، بعضی چیزها را روشن می‌کند و چه‌بسا ذی‌نفعانی دراین‌باره وجود داشته باشند.

تحریم‌ها درمان دارد

این پژوهشگر توسعه تأکید می‌کند: تحریم‌ها لاعلاج نیست. تحریم عامل مؤثر بر مشکلات این کشور نبوده است. نمی‌خواهیم ساده‌پردازی کنیم و بگوییم تحریم‌ها اثر ندارد. تحریم اثر دارد و شکی در آن نیست؛ اما تحریم‌ها عامل نابسامانی اقتصاد ما نیست. او می‌گوید: براساس آمارهای بانک مرکزی در دوره اصلاحات منابع ارزی که به‌طور مستقیم برای ما فراهم بوده تا آخر سال ۹۶، ۴۷۸ میلیارد دلار بوده است. در دوره احمدی‌نژاد از ۸۴ تا آخر ۹۱، ۸۴۱ میلیارد دلار منابع ارزی برای کشور فراهم بوده است. این منابع کم نیست. بحرینیان تأکید می‌کند: بخشی از دلایلی که باعث شده منابع ما گیر کند و به کشور بازنگردد، ناشی از ناتوانی ما در مذاکرات اقتصادی است. مثل آب‌خوردن قرارداد توتال به هم خورد و سینوپک چین از ایران خارج شد. او ادامه می‌دهد: راه‌حل مناسب این است که دولت رویش به سمت بخش مولد و پشتش به سمت بخش نامولد باشد. کسانی که دارای اهلیت حرفه‌ای هستند، در تصمیم‌گیری اقتصاد دخالت داده شوند. فقط به اهلیت سیاسی و امنیتی نگاه نشود، اهلیت حرفه‌ای هم به‌صورت ممتاز شناخته شود. افراد بی‌دلیل مسئولیت نپذیرند. به اعتقاد بحرینیان انتشار لیست ارزی ازسوی بانک مرکزی گرچه ناقص است، اما بسیار شایسته تقدیر است؛ زیرا سیاست‌گذاری‌های غلط را به عرصه عمومی می‌کشاند و نشان می‌دهد ارز در صنایعی با تکنولوژی پایین هزینه شده است.

نیاز به تدوین برنامه جایگزین توسعه اقتصادی

کمال اطهاری، کارشناس اقتصادی نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره سرنوشت نامه ۳۷ اقتصاددان به رئیس‌جمهور و میزان اجرائی‌شدن بندهای آن بیان می‌کند: آن نامه برنامه اجرائی نبود. صرفا جنبه هشدار داشت و دلیل امضای خود من این بود که فکر می‌کردم به کمک جمع اقتصاددان‌ها می‌توانیم برای تدوین یک برنامه جامع جایگزین توسعه اقتصادی-اجتماعی فعالیت کنیم. او ادامه می‌دهد: محتوای نامه به‌صورت کلی مورد تأیید من بود؛ اما به گمان من این کفایت نمی‌کند و این مسئله را به امضاکنندگان نامه هم اطلاع داده‌ام. اطهاری می‌گوید: چیزی که روشن است، این است که دولت و به‌ویژه تیم اقتصادی‌اش توان تدوین یک برنامه جامع را ندارد.

ادامه در صفحه ۵

نقشه راه احیای زاینده‌رود به‌زودی در شورای عالی آب تصویب می‌شود

نسخه‌ای تکراری برای نجات فلات مرکزی

لیلا مرگن: زاینده‌رود، مهم‌ترین رودخانه فلات مرکزی ایران به‌دلیل اعمال سیاست‌های توسعه‌ای نادرست از حالت دائمی به فصلی تغییر شکل یافته است. فلات مرکزی با همه حساسیت‌ها و شکنندگی‌هایش نیاز به برنامه‌ای برای مدیریت پایدار آب دارد؛ اما نسخه کارگروه احیای زاینده‌رود برای این حوضه آبریز پیچیده، همان نسخه تکراری از بالا به پایینی است که هیچ‌گاه جواب نداده است. نگاه دستوری و اعمال نظرات حاکمیتی بدون توجه به نظر همه ذی‌نفعان حوضه، زاینده‌رود را خشک کرده و حالا که ۲۰ ماه از دستور رئیس‌جمهور برای احیای زاینده‌رود می‌گذرد هم برنامه درخورتوجهی برای نجات آن ارائه نشده است. در نقشه راه احیای زاینده‌رود که هفته گذشته با حضور معاون اول رئیس‌جمهور ازسوی وزارت نیرو ارائه شد، به‌درستی مشخص نیست که کدام وزارتخانه یا دستگاه می‌تواند وابستگی معیشتی مردم به کشاورزی را کاهش دهد. چه کسی مسئول چه کاری است و اساسا چگونه قرار است با همکاری همه دستگاه‌ها مصارف کاهش یابد. براساس اطلاعات رسیده به «شرق» این نقشه راه که هفته گذشته در حضور معاون اول به تصویب رسیده، در اختیار دستگاه‌های اجرائی قرار گرفته است تا آن را مطالعه کنند و در هفته آینده در شورای عالی آب به تصویب خواهد رسید؛ نقشه‌ای که به نظر نمی‌رسد ماحصل اجرای آن، نجات زاینده‌رود نباشد. مسئله آب در فلات مرکزی ایران، مسئله‌ای نیست که به‌راحتی و با تشکیل کارگروه و دستور مقامات قابل حل باشد؛ اما گویا از همان نسخه‌های نخ‌نماشده، برای حل مسئله زاینده‌رود استفاده می‌شود. ۲۰ ماهی هست که از دستور حسن روحانی برای تشکیل کارگروه احیای زاینده‌رود می‌گذرد؛ کارگروهی که پیش‌نویس نقشه راه احیای زاینده‌رود را ۲۸ شهریور ۹۸ برای اعضایش ارسال کرد. کمیته برنامه‌ریزی و تلفیق کارگروه احیای زاینده‌رود در بهمن ۹۸ چهار جلسه متوالی با موضوع بررسی نقشه راه حوضه آبریز زاینده‌رود تشکیل داد و پس از جمع‌بندی و نهایی‌شدن پنج فاز سیمای کلی نقشه راه حوضه آبریز زاینده‌رود، آن را در جلسه‌ای با حضور معاون اول رئیس‌جمهور به تصویب رساند تا در هفته آینده این برنامه در شورای عالی آب به تصویب برسد. اطلاعات موجود درباره این برنامه نشان می‌دهد که قرار است ۳۵ اقدام در پنج فاز اجرائی شود.

تصویب نقشه راه زاینده‌رود با حضور معاون اول

هفته گذشته جلسه‌ای با حضور معاون‌اول رئیس‌جمهور برگزار شد و «نقشه راه احیای زاینده‌رود» که توسط وزارت نیرو تهیه شده بود، به تصویب رسید. در این جلسه قرار شد دستگاه‌ها نظرات خود را تا دو هفته به وزارت نیرو ارسال کنند.

یک منبع مطلع درباره مطالب مطرح‌شده در جلسه با حضور معاون‌اول رئیس‌جمهور به «شرق» می‌گوید: در ابتدای جلسه اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور مخالف کارگروه بوده و با توجه به وجود شورای عالی آب، وجود چنین کارگروهی را بی‌معنی می‌دانست. البته بعد از توضیحات وزیر نیرو مبنی‌بر اینکه کارگروه ذیل شورا تصویب شده و کشورهای خارج هم این کار را کرده‌اند، در پایان جلسه تشکیل کارگروه را اقدامی خوب دانست. او ادامه می‌دهد: جمالی‌نژاد، نماینده وزیر کشور، در جلسه ساکت بود؛ درحالی‌که همه موارد حوضه زاینده‌رود اجتماعی-امنیتی است و به وزارت کشور مربوط می‌شود. این منبع مطلع اضافه می‌کند: محمد شریعتمدار، سرپرست مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق بازرگانی، درباره نقشه راه اعلام می‌کند که ۳۵ فعالیت در آن تعریف شده است. سؤال این است کدام دستگاه توان انجام اینها را دارد؟ فکر کردم دیدم فقط شیخ بهایی که شاه‌عباس را پشت خود داشت، این توان را دارد. عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست هم با اعمال تغییراتی، با نقشه راه موافق بوده است. او بیان می‌کند: عباس کشاورز، مشاور وزیر جهاد کشاورزی، در این جلسه مطرح می‌کند که الگوی کشت در زاینده‌رود سال‌هاست تهیه شده است. تکرار آن چه لزومی دارد؟ اجرای الگوی کشت مستلزم مقدماتی است که تحویل حجمی آب اصل آن است. در نقشه راه توقف محصولات آب‌بر (این هم تکرار مکررات است که سال‌های سال برای ارومیه تلاش شد و شکست خورد) جهاد کشاورزی اهرمی برای توقف آن ندارد.

حل مسائل زاینده‌رود در چنبره تصویب‌نامه‌ها

مهدی فصیحی‌هرندی، دکترای سیاست‌گذاری تکنولوژی (حکمرانی آب)، دانشگاه صنعتی دلفت هلند در توییتی به اظهارنظر درباره نقشه راه تصویب‌شده در حضور معاون اول می‌پردازد. او می‌نویسد: «حدود ۲۰ ماه از دستور تشکیل ستاد احیای زاینده‌رود ازسوی آقای روحانی گذشته، حل مسائل زاینده‌رود هنوز در چنبره کارگروه‌ها، مصوبات و جلسات ناکارای هیدروکرات‌ها گرفتار است. سال گذشته کارگروه احیای زاینده‌رود و کارون تشکیل شد. چندمین جلسه کارگروه احیای زاینده‌رود هفتم مرداد ۹۹ در حضور جهانگیری تشکیل شد تا نقشه راه احیا تهیه شده و تصویب شود. نقشه راه ۳۵ اقدام دارد، در پنج مرحله. اقداماتی که بدون حضور ذی‌نفعان پشت درهای بسته و البته تکراری طراحی شده و بدون اینکه بررسی شود کدام نهاد حکمرانی ظرفیت اجرای آن را دارد، قرار است با دریافت نظرات طرف‌های دولتی دو هفته دیگر در شورای عالی آب تصویب شود. غافل از اینکه زاینده‌رود برای احیا به «نقشه راه بررسی اشتباهات گذشته» نیاز دارد. سیاست‌هایی که از سال ۹۲ باعث شده خروارها مصوبه و اقدام و آیین‌نامه برای زاینده‌رود تدوین شود. اینکه اجرائی نشده؛ یعنی ظرفیت آن در بدنه دولت وجود ندارد. حکمرانی آب در حوضه زاینده‌رود قرن‌هاست اجتماع‌محور بوده و این کارگروه و ساختارهای مشابه که این اصل ابتدایی را نادیده می‌گیرد، خود تبدیل به یکی از مسائل حوضه می‌شود. جالب اینکه تنها اقدامی از این کارگروه که اجرائی شده، انحلال شورای هماهنگی حوضه بوده که سال‌هاست عملا نظمی حتی ناقص را بر حوضه حاکم کرده بود».

برنامه‌ای ضد منابع طبیعی

آیا با توجه به اینکه بندهای این برنامه در گذشته هم مطرح بود، اصلا نیازی به تشکیل کارگروه احیای زاینده‌رود وجود داشت؟ انوش اسفندیاری، دبیر اندیشکده تدبیر آب، در گفت‌وگو با «شرق» نقشه راه تدوین‌شده از سوی کارگروه را نقشه راهی می‌داند که باید ۱۰ تا ۱۵ سال قبل تدوین می‌شد.

او می‌گوید: موضوعی که در این نقشه راه کم مورد توجه قرار گرفته است، این است که خود برنامه توسعه حوضه آبریز زاینده‌رود، برنامه‌ای ضد منابع طبیعی است. به دلیل اینکه در چند دهه جمعیت این حوضه پنج برابر شده است. فشار به منابع طبیعی بسیار زیاد بوده است. شاید فکر می‌کردند با آن سرمایه‌گذاری مخرب محیط زیست می‌توانند اشتغال و ثروت استان را بالا ببرند و به‌نوعی خودشان در واقع امتیازاتی را به استان بدهند؛ اما مشخص شده است که آن مسیر توسعه، مسیری است که همه‌چیز را به فنا می‌دهد.

اسفندیاری تأکید می‌کند: چنین راهکارهایی در کوتاه‌مدت ممکن است جاذبه‌ای برای منطقه ایجاد کند؛ اما نمی‌تواند پایدار باشد. درواقع براساس موازین توسعه پایدار، برنامه توسعه حوضه زاینده‌رود مورد نقد قرار نگرفته است. این برنامه مثل موتور و نیروی پیشرانی می‌ماند که همه‌چیز را با خود می‌برد و بقیه باید به‌دنبال آن قطاری که راه افتاده است، بدوند. این موضوعی است که مورد توجه قرار نگرفته است و اگر این مسئله درست نشود، تلاش‌هایی که می‌شود و ترمزهای کوتاهی که تلاش می‌شود برای این قضیه ایجاد کنند، خیلی ناتوان به نظر می‌آید.

او اضافه می‌کند: فقط منفعلانه درباره قضیه عمل کرده‌اند. هدف‌هایی که در این برنامه گذاشته‌اند، کاهش سطح تعارضات و مناقشات بود. کسی با این مخالفتی ندارد. فقط با امیدداشتن برنامه محقق نمی‌شود. یکی از عوامل ایجاد تعارضات برنامه توسعه لجام‌گسیخته‌ای است که این حوضه دارد.

دبیر اندیشکده تدبیر آب عنوان می‌کند: مهم‌ترین هدفی که در برنامه نداریم، متناسب‌کردن برنامه توسعه با ظرفیت‌های طبیعی منطقه است. این هدف در واقع یک غایب بزرگ در این برنامه است.

ادامه از صفحه اول

اصلاح‌طلبان ناکام و راه‌های پیش‌رو

بحث بر سر آن نیست که نسل جدید اصولگرایان چه میزان به این شعارها پایبند است یا صرفا برایشان کارکرد تبلیغاتی و انتخاباتی دارد. بحث بیشتر بر سر مقایسه آنان با اصلاح‌طلبان است که حتی در حدواندازه ظاهری هم نتوانسته‌اند تغییر و تحولی در ادبیات و گفتمان سیاسی‌شان ایجاد کنند. نه در تغییر چهره‌ها و نه در فرایند نوسازی گفتمان سیاسی، آنان نتوانسته‌اند دست‌کم به اندازه اصولگرایان خودی نشان دهند.

ضرورت پوست‌اندازی اصلاح‌طلبان نه یک مانور تبلیغاتی است و نه یک ژست سیاسی بلکه تنها شانس بقای سیاسی‌شان است. آنان در قبال عملکرد «فراکسیون امید» در مجلس دهم سکوت کردند. در قبال عملکرد دولت دوم آقای روحانی با وجود نقششان در ترغیب مردم به شرکت در انتخابات اردیبهشت ۹۶ همچنان به سکوتشان ادامه دادند. حوادث و رویدادهای مهمی در سال‌های اخیر در کشور به وقوع پیوست؛ مانند ناکامی برجام، اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ که اصلاح‌طلبان در قبال تمامی آنها سکوت کردند یا به گفتن کلیشه‌های تکراری و کلی بسنده کردند. شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا»، هم نتوانست آنان را به خود آورد. حاصل شد انتخابات اسفند ۹۸ و ریزش بخش عظیمی از بدنه اجتماعی‌شان اما و باکمال تأسف هیچ حرکت و تغییر و تحول جدی از آنان دیده نشد؛ انگار جملگی آن حوادث و رویدادها در کشور دیگری اتفاق افتاده.

اگر تدبیر «چه باید کرد؟» و پوست‌اندازی در وضعیت اصلاح‌طلبان به‌صورت عاجل صورت نگیرد، آن‌قدرها طول نخواهد کشید که از دوم خرداد و اصلاحات به‌جز نامی در تاریخ ایران بعد از انقلاب چیز دیگری باقی نخواهد ماند.

شاهزاده محمد بن‌سلمان در نبود سلمان!

جهان، رقابت‌ها و سیاست‌ها را می‌بینند و می‌شنوند و می‌خواهند. شاهزاده می‌تواند بخشی از خواسته‌ها مانند ابزار و وسایل زندگی نوین، مانند کافی‌شاپ، سینما، پلاژ، مرکز خرید و زندگی روزمره شهری شبیه اروپایی‌ها را در ساختمان‌های مجلل با معماری مدرن در اختیارشان بگذارد و الگوی دوبی را در کشورش تعمیم دهد. مکان‌های تفریحی جذاب بنا کند و توریست‌ها را هم به آنجا بکشاند و به سازشان برقصد و از پلیس خشن امربه‌معروف در امانشان دارد. اما با مطالبات سیاسی و آزادی‌های مدنی چه خواهد کرد؟ این مطالبات با قتل و سوزاندن جسد منتقد او در کنسولگری کشورش در استانبول چگونه هماهنگ می‌شود؟ مگر می‌تواند هم بنا بر عادت، حاکم و مالک کشور باشد و هم مطالبات مشارکت‌جویانه و آزادی‌خواهانه را تحمل کند؟ از سوی دیگر خاندان او هستند که شریک منابع کشور در سایه نظام محافظه‌کار و سختگیر حکومتی هستند. نظامی با بهره‌مندی‌های گوناگون شاهزادگان در زندگی‌های نهانی و تلاش برای حفظ منافع و زندگی و نرم موجود. نگران از برهم‌خوردن تعادل دیرین و بروز آشفتگی زیان‌بار و الزام‌آور در شریک‌کردن مردم در دارایی کشورشان و مخالفان کینه‌ورز خانوادگی نسبت به جوانی که سنت دیرین جانشینی سلطنت را به هم ریخته و خودش را در جایگاه «صاحب حق تقدم» نشانده است. آیا اینها که طعم زندانی‌شدن جمعی در هتل پنج‌ستاره و نقره‌داغ‌شدن به دستور بن‌سلمان را هم چشیده‌اند، در غیاب سلمان آرام خواهند نشست و به فکر پاسخی جمعی برنخواهند آمد. جایگاه بن‌سلمان در میان نیروهای نظامی و امنیتی ذی‌نفع و دست‌آموز او در سال‌های گذشته تا چه اندازه امن است و وفاداری نیروهای سنتی و ذی‌نفعان قدیمی به کدام سو خواهد بود. بخش بزرگی از نسل‌های مدنی جوان‌تر عربستان که در ۶۰ سال گذشته از درآمد، امکانات و تحصیلات بسیار خوبی بهره‌مند بوده‌اند، با آگاهی بیشتری خواهان آزادی‌های مدنی و سیاسی و مشارکت واقعی در نظامی مردمی هستند. بخش بزرگی از جامعه سنتی و قبایلی حتی ظواهر تجددگرایانه بن‌سلمان را هم تحمل نمی‌کنند، اینها نیز به نوبه خود آن‌قدر تحول یافته‌اند که ضمن وفاداری به سنت‌های قبایلی حاکمیت تامه را بر نمی‌تابند. به این ترتیب جامعه در حال گذار عربستان با تشنج‌های داخلی بسیار روبه‌رو خواهد بود. جای این نگرانی برای متحدان غربی وجود دارد که مبادا این انبار بزرگ اسلحه به دست نیروهای داخلی متخاصم بیفتد.

در این میان امیدی به اصلاح رابطه متشنج دو کشور بزرگ منطقه یعنی عربستان و جمهوری اسلامی ایران نمی‌رود. زیرا کشورهای عرب منطقه خصوصا در ارتباط با اسرائیل با ترجیح توسعه اقتصادی و رفاهی بر ستیز طولانی، مسیر ملک عبدالله فقید را برگزیده‌اند که اجرای قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت درباره تشکیل دولت موازی فلسطین به پایتختی قدس و عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای پیش از جنگ اکتبر ۱۹۶۷ و جبران خسران آسیب‌دیدگان فلسطینی را بر جنگ ترجیح می‌دهند. به این ترتیب در کوتاه‌مدت امیدی به ایجاد اصلاح مهمی در روابط آنان با جمهوری اسلامی نمی‌رود.

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس (سهامی خاص)

شناسه آگهی: ۹۲۸۴۴۰

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای (شماره ۴۷-۱-۱-۹۹)

۱- **نام مناقصه‌گزار:** شرکت توزیع برق فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا تلفن: ۸۰-۳۲۳۱۹۵۷۴-۰۷۱ تلفن امور تدارکات ۳۲۳۱۷۸۶۹-۰۷۱

۲- **موضوع مناقصه:** مناقصه خرید چراغ ۵۰ وات لاک پشتی بخار سدیم از تولیدکنندگان واجد صلاحیت از شرکت توانیر

۳- **زمان دریافت اسناد مناقصه:** در ساعت اداری (از ساعت ۷/۳۰ الی ۱۴/۳۰) از تاریخ ۹۹/۰۵/۱۵ لغایت ۹۹/۰۵/۲۱ به مدت ۵ روز کاری

۴- **مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد:** فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ریال واریز به حساب جاری شماره ۷۴۸۲۷-۰۷۸۶۰ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز

۵- **آدرس محل دریافت اسناد:** دسترسی به اسناد مناقصه از طریق شبکه اطلاع‌رسانی معاملات توانیر به نشانی www.tavanir.org.ir و شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس www.farsedc.ir اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir به شماره فراخوان ۲۰۹۹۰۰۷۰۰۰۰۰۰۰۰ امکان‌پذیر می‌باشد.

۶- **آدرس محل دریافت پیشنهاد:** شیراز- خیابان معدل- حدفاصل فلسطین و ملاصدرا- ساختمان ۱۴۷- شرکت توزیع نیروی برق استان فارس- امور تدارکات- تلفن ۳۲۳۱۸۶۱۷

۷- **زمان تحویل اسناد:** ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۶/۰۳ ۸- **محل برگزاری مناقصه:** شرکت توزیع نیروی برق استان فارس- طبقه اول- دفتر معاونت پشتیبانی

۹- **زمان بازگشایی پاکات:** پیشنهادهای واصله ساعت ۱۳ ظهر روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۶/۰۳ با حضور اعضاء کمیسیون مناقصه باز و قرائت می‌گردد به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بند ۷ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۰- ذکر شماره